

رویکرد گروه‌های جهادی نسبت به نص:

مراجعه مستقیم به نص به مثابه روشی جهت درهم آمیختگی متن و عمل

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۷/۱۲/۱۴

طیبه محمدی کیا *

هدف پژوهش حاضر بررسی نحوه‌ی رویکرد جهادگرایان متاخر به متن نص است. فرض این پژوهش مبتنی است بر این که منطق فهم و نحوه و روش مراجعه‌ی جهادگرایان متاخر به متن نص می‌تواند در فهم و شناخت منطق عمل و کنش ایشان موثر واقع گردد. تشریح سازوکار فهم منتهی به عمل عاجل نزد گروه‌های تکفیری-جهادی، وجه تمایز پژوهش پیش رو است. تحلیل تلقی جهادگرایان تکفیری از متن و توقع ایشان از آن را با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی پیش برده‌ایم؛ نتایج حاصله نشان می‌دهند که گفتمان سلفیسم هدف غایی خود را عملی نمودن نص تعریف می‌کند. این گفتمان که نص را بی‌پیرایه‌ترین بخش دین می‌داند، می‌کوشد آن را از طریق سازوکارهای منطبق با خوانش خود از نص و سلف عملیاتی نماید. نص از دیدگاه آن‌ها به مثابه منبع ایدئولوژیک و توجیه‌گر کنش جهادی در راستای محقق ساختن رسالت خودخوانده، مورد مراجعه‌ی بی‌واسطه قرار می‌گیرد. این گفتمان، نص را در عین حال که به عنوان بن‌مایه‌ی ایدئولوژی و منبع مشروعیت و مرجع توجیه و تجویز می‌شناسد؛ به متن به مثابه دغدغه و هدف کنش جهادی نیز می‌نگرد. عدم پای‌بندی سلفیسم نوین به تفسیرهای تاریخی از متن نص منجر به شکل‌گیری فهمی منجمد و قالب‌بندی شده بر مبنای ذات‌مندی کنش جهادی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: نص، جهادگرایان، افراطی‌گری، سلفیسم، تکفیر.

* دانش‌آموخته دکتری تخصصی روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
(t.mohammadikia@gmail.com)



مقدمه

نوشتار پیش‌رو با هدف مطالعه هویت معرفتی و معنایی گروه‌های سلفی- تکفیری به بررسی رویکرد ایشان نسبت به متن نص می‌پردازد. گستره بحث محدود به مطالعه نحوه مراجعه تکفیری- جهادی‌ها به متن نص است. نوشتار ضمن بررسی پیوستگی‌های تاریخی این نحله با سلفیسم تاریخی، نحوه بروز کنش و کردار متفاوت ایشان را در جهان معاصر رصد نموده است. بی‌گمان توجه به متن نص و حدیث متضمن و مستلزم عقل‌گریزی و روی نهادن به تکفیر، نفی و انکار غیر نیست بلکه اتخاذ نگرش‌هایی همچون نص‌گرایی انجمادی، بسته دیدن راه‌های معرفت و شناخت بشری و رای به تعطیلی خرد و بستن روش‌های نوگرایی و ظاهرگرایی، نوسلفیان را به سوی تکفیر می‌کشاند و نهایتاً تلاش در به کار بستن نص، ذیل چنین نگرش‌هایی، از آنها کنشگرانی خشن می‌سازد. از طرف دیگر آنها بهره‌جویی از نص را دستمایه توجیه کنش حذفی و انکار و خوی خشونت‌بار خود قرار می‌دهند.

جریان تکفیری خلافت‌گرا در راستای دستیابی به پایگاه سیاسی در عرصه سیاست جهانی از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کند. این جریان بدون بذل توجه به ارزش‌های فقهی، حقوقی و اخلاقی در تاریخ سنت‌های اسلامی دست به عمل می‌زند. چنین رویکردی در تاریخ جنبش‌های اسلامی بی‌سابقه است. با توجه به این مهم، مطالعه نحوه رجوع و استناد ایشان به منابع اسلامی از اهمیت دو چندان برخوردار است. در واقع نوع رفتارها و منش، فارغ از پایبندی به اخلاقیات و عرف شناخته‌شده، موجب شگفتی گردیده است. با توجه به اینکه در پیش گرفتن کنش‌های خشونت‌بار از دیدگاه منابع اسلامی ناپذیرفتنی است، مطالعه نحوه رویکرد جهادگرایان متأخر به متن مقدس و تلاش و ادعای آنها در نسبت دادن رفتارهایشان به منابع دست اول، بایسته و ضروری است.

تلاش این گروه‌ها برخلاف جریان‌های غالب اسلامی عرضه متن بر شرایط بیرونی، در عوض عرضه شرایط بیرونی بر متن مقدس است. در این مجال پرسش از چند و چون رویکرد گروه‌های سلفی- تکفیری نسبت به متن نص، ذیل اندیشه اصلاح/ بازگشت‌گرایی، مطرح می‌گردد. نوشتار پیش‌رو با هدف بررسی این مهم، فرضیه زیر را به بحث می‌گذارد که رویکرد این گروه‌ها، با توجه به منابع فکری و کنش عملی آنان، نسبت به متن نص و به دور از پیچیدگی‌های علمی- تفسیری و برآمده از اندیشه‌ای معطوف به





عمل است. توسل به متن به مثابه ایدئولوژی رهایی‌بخش را می‌توان برآیند اتخاذ نگرش تدافعی در برابر حضور مدرنیسم به مثابه جریان‌ی مهاجم دانست. این ایدئولوژی در مقام دفاع از تغییرات مبتنی بر اندیشه مدرن در ساحت اندیشه و عمل از یک سو، و فضای داخلی و جهان بین‌الملل از سوی دیگر است. چرا که به باور این ایدئولوژی نه چندان دیرپا، حضور مولفه‌های مدرنیسم برآمده از اندیشه غربی فارغ از دین، در صدد دین‌زدایی از ساحت‌های گوناگون زندگی بشری است و این مهم در ارتباط با دنیای اسلام با شدت بیشتری احساس می‌شود. ایدئولوژی جهادگرایان متاخر، واجد وجهی رهایی‌بخش است که دستاویز تهییج احساسات و جذب نیرو از جهان مدرن گردیده است. علاوه بر این جریان‌های سلفی - جهادی ضمن در پیش گرفتن رویکردی رسالت‌محور، به تلاش در راستای دفاع از میراث خود ذیل ارائه فرا روایت بازگشت / مراجعه به متن نص برآمده‌اند. ایشان این ایده محوری را به مثابه راهکاری کارآمد جهت زدودن پیرایه‌های غربی از چهره دنیای اسلام معرفی نموده‌اند.

بر اساس اندیشه گروه‌های سلفی - تکفیری به مثابه گروه‌هایی عملی - فکری، توقع از متن فراتر از توقعی عبادی، فردی یا گروهی است و چشم‌داشتی گسترده و طیفی حداکثری در گستره‌ای جهانی را پوشش می‌دهد. به گونه‌ای که متن وحیانی، جامع پاسخ به همه نیازهای انبای بشر است و ذیل این پیش‌فرض سترگ، مراجعه به متن راهکار بازگشت به جامعه آرمانی سلف صالح خواهد بود؛ جامعه ایده‌آلی که مطابق متن نص سامان خواهد یافت. نکته این جاست که جریان‌های سلفی - تکفیری ذیل رجوع به متن مقدس، خود را بی‌نیاز از تمسک به هرگونه فرآورده و دستاورد خرد بشری می‌دانند (برکه، ۱۴۰۵، ص ۱۵۷).

دوره طلایی تحقق این جامعه آرمانی سیال را می‌توان در گذر زمان به سوی گذشته رصد نمود. هرچه تاریخ اسلام به سوی دوره نخستین اسلامی بازمی‌گردد، امکان دسترسی به دوره طلایی سلف صالح بیشتر است. چرا که طی گذر زمان فاصله‌ای رو به تزاید میان فهم متن و متن نص در میان مسلمانان پدیدار گشته و این دوری و پیدایش پیچیدگی‌ها در روش‌های مراجعه به متن، راه به سوی دوری جهان بیرونی از متن وحیانی و در نتیجه افول تزایدی جوامع اسلامی برده است (مودودی، ۱۹۶۷، ص ۷). افول یا انحطاطی که با تسلط غرب در عرصه جهانی و حضور مولفه‌های فکری و رفتاری مدرنیسم غربی در زندگی مسلمانان تکمیل شده است (سید قطب، ۱۳۷۸، ص ۴-۲۰).



راه چاره برای انحطاطی از این دست در بلندای گفتمان اصلاح وضعیت موجود براساس کدهای معین و پیدا و آشکار متن و حیانی مطرح گردیده است. این رویکرد را می‌توان خوانشی از گفتمان بازگشت‌گرایی، ذیل نگرش مبتنی بر اصلاح وضع موجود، در جریان جنبش‌های بنیادگرایی اسلامی دانست. در واقع به باور سلفیسم رویکرد ظاهرگرایانه این مهم جز از طریق توسل به متن نص (متن واژگانی در دسترس کتاب) تحقق‌پذیر نیست. مطابق رویکرد گروه‌های سلفی، متن وحی حاوی ویژگی‌ها و خصایصی است که به آن توانایی حضور همیشگی و بدون شرط را می‌بخشد. نص به‌مثابه متنی زنده و پاسخگو مورد مخاطب متقابل قرار می‌گیرد و ارائه‌دهنده راه‌حل‌های بی‌پرده برای معضلات هرزمانی است (مودودی، ۱۳۸۹، ص ۸۲). در پس این مخاطب، فهمی ویژه اتفاق می‌افتد که در عین فردی بودن، به علت «کلمه» محوری، براساس متن نص، در برابر «تفسیر» محوری، براساس ذهن مخاطب، راه به سوی شکل‌گیری گونه‌ای ایدئولوژی جمعی، مبتنی بر رسالت‌گرایی فردمحور ذیل باور به تلکیف‌مدار بودن ایدئولوژی و توامانی کنش فردی و جمعی، می‌برد (ابن تیمیه، ۱۹۹۶، ص ۸۰). ایدئولوژی‌ای که تک‌تک باورمندان به آن، ضمن دسترسی به کتاب آسمانی و در امتداد آن کسب تکلیف از نص ذیل بهره‌گیری از مشروعیت فهم فردی از نص، مجاز به کار بستن آن هستند (Gauvain, 2012, p131). چه بسا چنین رویه‌ای را می‌توان به مثابه چارچوب شکل‌گیری گفتمان فکری و عملی این گروه‌ها، در ابعاد نظری و عملی و عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، مورد شناسایی قرار داد. وفاداری گروه‌های سلفی - تکفیری به روش مراجعه مستقیم و بی‌پرده به متن، به مثابه راهکاری جاری و ساری در میان اعضای پراکنده این گروه‌ها و علیرغم عدم وجود سازماندهی متمرکز، به آنها منطق عمل مشترک و امکان انجام اقدام‌های مشابه را ذیل توجیهی عمومی و قابل پذیرش بخشیده است.

نوشتار بر این پیش‌انگاشته استوار است که شناسایی افراطی‌گرایی را باید ضمن مطالعه نگرش‌های معرفتی و روش‌های فهم ایشان پی‌گرفت، و این مهم را ذیل تجزیه و تحلیل نحوه مراجعه جهادگرایان متاخر به متن مقدس بررسی کرده است. کشف و تحلیل فرایند مواجهه با متن می‌تواند توضیح‌دهنده نحوه اثرگذاری این مهم در شیوه حضور و نحوه مداخله ایشان در جهان معاصر باشد (Saeed, 2013, p16). در واقع مولفه‌های اندیشه و عمل سلفیست‌های جهادی با توجه به آرایش و نحوه قرارگیری آنها در ارتباط با متن نص قابل فهم است. متن مقدس از سوی ایشان متنی گویا است که ارتباط با آن بدون نیاز به

هرگونه کانال واسطی امکان‌پذیر است (Abu-Rabi, 2006, p260). بر این اساس، متن به مثابه هستنده‌ای زنده در درازنای سده‌ها برجای مانده و صدای آن را می‌توان به شکل مستقیم و فردی شنید. در این رویکرد، مطابق رویکرد ایشان متن از تفسیر، دانش و مفسر بی‌نیاز است. چرا که تلاش متولیان فهم و تفسیر متن در درازنای این سده‌ها منجر به شکل‌گیری فهمی گردیده است که در نهایت راه به سوی نهان ماندگی و فراموشی پیام مرکزی متن مقدس برده است و آنها چاره این دشواره را در فهم ظاهرگرایانه (مبتنی بر واژه) از متن می‌دانند (Asthana, Nirmal, 2009, p59).

تبار معاصر جریان سلفی - جهادی

بنیادگرایی اسلامی را می‌توان پاسخی به افول و انحطاط جوامع اسلامی در برابر غرب دانست. افولی که نتیجه آن حضور هرچه بیشتر و پر رنگ‌تر غرب در جهان اسلام بود. در واقع بنیادگرایی روش تقابل با مدرنیته بسان نیرویی مهاجم است. به این ترتیب بنیادگرایی تلاشی تدافعی است که با هدف نفی اندیشه نوآمد (اندیشه غربی) به تعریف و ارائه گونه‌ای ایدئولوژی جایگزین فراگیر روی آورده است. پایه ایدئولوژی این جریان بر این اندیشه استوار است که حیات بیرون از پیام وحیانی اسلام فاقد مشروعیت است و بر همین اساس کوشش‌های خرد ورزانه، عقلانی، دانشی و نهایتاً مدرنیسم، از آن جهت که بیرون از قلمرو آموزه‌های اسلامی است، معتبر و مشروع قلمداد نمی‌گردد (Al-Rasheed, 2012, p195). کلیه دستاوردهای مدرنیسم در فضای زیستی، مسلمانان بنیادگرا را به چاره‌جویی بیشتر و بیشتر واداشت. از جمله این قالب‌ها، فرایند نارس دولت-ملت‌سازی در جهان اسلام است. در آغاز سده بیستم شاهد شکل‌گیری دولت‌های پسا استعماری در جغرافیای مسلمانان هستیم، در این جغرافیا دولت-ملت، به مثابه پدیده و قالب سیاسی مدرن، کمتر موفق عمل کرده است. کشورهای اسلامی در پی فروپاشی خلافت اسلامی نتوانسته‌اند خود را به عنوان قدرتی واحد و پیشرو مطرح کنند و این مسئله احساس افول را در گروه‌های مختلف اسلامی تقویت کرده است (Akbar, 2002, p xvi).

حضور مادی و معنوی دولت‌های غربی در جوامع اسلامی به‌مثابه حضوری تهاجمی فهم شد و به شکل همزمان برداشت تهاجمی بودن حضور غرب، در قالب فرم سیاسی-حقوقی دولت‌ها در عرصه بین‌الملل و نیز تجویز ساختارهای سیاسی و حکومتی در داخل جامعه مسلمانان، منجر به شکل‌گیری اندیشه‌هایی جهت بازیابی خودنهمان، در پس حضور ظاهری و تعیین‌کننده دولت‌های غربی، در جوامع اسلامی گردید.





دیدگاه‌های گوناگونی در تلاش برای حل این دشواره رویارویی با مدرنیسم مطرح گردیدند و هریک راه حل‌های متفاوتی پیشنهاد نمودند. رویکردهایی که در طیفی شامل سازگاری با مدرنیسم، پذیرش مشروط و رد تعامل با مدرنیسم، به طور کلی و موردی، و نیز به لحاظ عملی و نظری، در عرصه‌های فردی و عمومی و در حوزه‌های داخلی و بین‌المللی قابل شناسایی است (Khan, 2012, p3). از این روی جریان بنیادگرایی اصلاحی-اسلامی معطوف به عمل، جریانی پیشامدرن، بالیده در سنت و واجد تاریخ کلاسیک نیست، بلکه در شمار امواج ضدیت با مدرنیسم قرار دارد (Kenney&Moosa, 2013, p28). موجی که با ورود تجدد به جهان اسلام از سوی چهره‌های مختلفی رخ نمود و امروزه در چهره‌ای جهادی آمیخته با خشونت خودنمایی می‌کند. با توجه به زمانه و زمینه پدیداری و ماهیت متقابل دو اندیشه مدرنیسم و بنیادگرایی، این ایده که بنیادگرایی اسلامی را می‌توان به مثابه پدیده‌ای مدرن و فرآورده جهان جدید دانست، از سوی برخی محققان مطرح گردیده است (Geaves, 2005).

بنیادگرایی اسلامی در دوره نه‌چندان بلند حضور خود ذیل خوانش‌ها و گرایش‌های متعدد و درون طیف گسترده‌ای رخ نموده است. طیفی که از یک سو، راه به مدارا با جهان مدرن در چهره جهانی نو می‌برد و از سوی دیگر، دست به کنش جهادی - تهاجمی در مقابل آن می‌زند. بنیادگرایی به شکل توأمان جریانی شامل طیف حداقلی و یا حداکثری، دربردارنده وجه اندیشه‌ای در راستای ایجاد سازگاری و یا ستیز میان آموزه‌های اسلامی و جهان جدید و وجه حرکتی و عملی، در مسیر دستیابی به جامعه کمال مطلوب مبتنی بر گفتمان خود است.

در واقع بنیادگرایی، در معنای عام آن دربردارنده طیفی شامل گرایش سازش‌محور و نگرش ستیز- باور است، هدف اصلی خود را اجرای احکام اسلام اعلام می‌کند. هدفی که در شکل و شیوه‌های اجرایی متفاوت، و در قالب گفتمان مبتنی بر سازش با مدرنیسم در درجاتی متغیر و ستیز با آن به طور مشروط یا مطلق، خودنمایی می‌کند. اندیشه‌های سازگار با مدرنیسم را می‌توان در آرای عبده، کواکبی و اقبال سراغ گرفت که خود مشمول درجه‌هایی متغیر از میزان سازگاری با مولفه‌های مدرنیسم هستند. در نقطه مقابل ایشان طیف بنیادگرایی اسلامی گرایش سلفی- جهادی برمبنای ستیز- باوری و در قامت اندیشه تکفیری و کنش بازگشت‌گرایانه ظاهر شده است. مبانی و پایه‌های ایدئولوژی وفاداران به این نگرش را می‌توان ذیل باور به ایده اصلاح‌گرایی، برمبنای آموزه‌های عمل‌گرایانه نص

به طور اخص در جغرافیای اسلامی، و به شکل اعم در جغرافیایی فراگیرتر - عرصه بین‌الملل - در قالب کنش‌های عملی رصد نمود.

پایه دیگر اندیشه معطوف به عمل، نزد جهادپست‌های متاخر ایده بازگشت به سلف صالح است که به مثابه تصویری آرمانی، از وضعیت مطلوب و همچنین ارائه‌دهنده شیوه کنش مجاز و مقبول و یا عمل معیار، تعریف شده است. این جریان نوظهور ذیل نگرش مبتنی بر اصلاح وضعیت کنونی براساس کدهای قابل ارجاع به نص و با هدف برساختن جامعه آرمانی منطبق با سنت‌های سلف صالح، دست به اقدام می‌زند. در امتداد امتزاج دو مولفه اصلی اندیشه سلفیسم در قالب اصلاح‌گرایی و بازگشت‌گرایی باید گفت، این گرایش براساس نگرش بازگشت‌گرایی مبتنی بر اصلاح بنیادین وضعیت موجود شکل گرفته و در درازنای تطور خود به پیدایش و هویت‌یابی گروه‌های سلفی - جهادی انجامیده است. در عین حال، این رویکرد برمبنای تمایلات عمل‌گرایانه رادیکال کوشیده است با تمسک به مفهوم «جهاد» گامی در مسیر عملی نمودن مولفه‌های جامعه مطلوب خود بردارد (Sagama, 2010, p149). کوششی که تحقق ایده‌آل خود را، به لحاظ نظری و عملی، از طریق اصلاح وضعیت موجود دنبال می‌نماید. نکته قابل تامل اینکه سلفیسم تکفیری به مثابه گرایش معطوف به عمل ذیل گفتمان ویژه معرفتی خود توانسته است حضوری تاثیرگذار و در عین حال مخرب داشته باشد. شناخت گفتمان معرفتی ایشان از این جهت واجد اهمیت است که می‌تواند راه‌گشای فهم ذهنیت و شیوه تعامل گروه‌های سلفی - جهادی با ساختارهای جهان معاصر باشد. تعاملی که ذیل ریخت‌یابی فهم و شکل‌گیری خواست و اراده معطوف به عمل، براساس دریافتی سهل و به دور از پیچیدگی از متن نص شکل می‌گیرد (Gauvain, 2012, p296). نگرش جریان سلفی - جهادی معاصر حاوی ویژگی‌های عمل‌گرایانه‌ای همچون انقلابی بودن، ستیزه‌جویی و تقابل‌گرایی تکاملی با نظم بین‌الملل غرب‌محور است (Lia, 2007, p163).

جریان‌های سلفی - جهادی به مثابه چهره رادیکال بنیادگرایی اسلامی در بلندای پاسخی به ورود و حضور و به تعبیر ایشان هجوم، مولفه‌های مدرنیسم در جوامع مسلمانان و انطباق حداکثری ساحت زندگی با قامت شریعت رخ نموده است (Marranci, 2010, p79). این جریان‌ها دستیابی به این هدف را ضمن مراجعه به متن تئوریزه نمودند و شیوه ویژه‌ای را جهت فهم متن برملا ساختند که می‌توان از آن ذیل نام گفتمان مراجعه بی‌واسطه یاد نمود.



گفتمان مراجعه به نص (اصلاح وضعیت موجود با توجه به مولفه‌های برآمده از متن وحیانی)

سلفیسم جهادی را می‌توان گفتمان برآمده از ایده رجوع مبتنی به متن نص دانست. گفتمانی که استوار بر اندیشه و عمل اصلاحی مبتنی بر مراجعه و بهره‌گیری از متن نص، با هدف بازگشت به دوره طلایی برآمده از آن و به حداقل رساندن فاصله جهان بیرون و متن نص وحیانی است. این حضور نوین اگرچه حضوری دگرگون و نوآیین است، اما ریشه در آموزه‌های پیشینی گروه‌های جهادی و جنبش‌های اسلامی بنیادگرای رادیکال دارد. وفاداری ایشان به اندیشه‌های فقه حنبلی، سید قطب، ابن عبدالوهاب و مودودی در خور توجه است.

مراجعه به متن

اندیشمندان جهان اسلام، جریان‌های فکری و جنبش‌های سیاسی-اجتماعی، جهت ارائه پاسخ به مطالبات زندگی نوین، ذیل التفات به تحولات رخ نموده در رویارویی جهان اسلام و ارمغان تجدد، به مثابه دشواره نوظهور، درصدد چاره‌جویی برآمدند (Azra, Hudson, 2006, p139). گروه‌هایی از ایشان چاره شرایط متعارض زمانه خود را در جامعیت و بی‌زمانی دین با تکیه بر متن به مثابه راهنمای جاوید و منبع اصلی دین یافتند. بهره‌گیری از متن وحیانی در میان گروه‌های مختلف جنبش‌های اسلامی با تنوع‌هایی همراه بود. در این میان گروه‌های سلفی-جهادی، رویکردی ویژه جهت مراجعه به کتاب آسمانی اتخاذ نموده‌اند که مطالعه آن می‌تواند منتهی به شناخت اندیشه و عمل گروه‌های مزبور گردد. رویکردی که یگانگی آن در ویژگی بی‌نیاز دیدن خود از بهره‌گیری از روش‌های علمی متداول در سنت دانش اسلامی نهفته است؛ روش‌هایی که از سوی جریان‌های علمی، سنت‌های دانشی و نیز دیگر گروه‌های فعال در جنبش‌های اسلامی، به شکل تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است. گروه‌های سلفی-جهادی ذیل برگرفتن رویکردی متفاوت جهت مراجعه به متن، خود را به لحاظ دانشی منفک از سنت دانشی جهان اسلام طبقه‌بندی نمودند، و هویت دانشی-معرفتی متمایزی ذیل شیوه تعامل با نص و مراجعه به متن مقدس بر ساختند. این رویکرد دانشی-روشی منتهی به سبک ویژه‌ای از کنش در عرصه عمومی و بین‌الملل از سوی این گروه‌ها گردیده است. مطابق آموزه‌های ایشان، انباشته شدن تاریخی علم و به شکل ویژه تفسیر نص و سنت دستاوردی جز دورتر شدن از بنمایه اصلی دین راستین نداشته است. چه بسا علم دینی



خود پیرایه‌ای ناراست بر قامت پیام آشکار الهی است که ذیل ویژگی محافظه‌کارانه خود منجر به نهان گشتن این پیام اصیل در درازنای زمان گردیده و نتیجه آن دورتر شدن مسلمانان از اسلام راستین طی گذر زمان بوده است. این گفتمان برمبنای مخدوش دانستن فرایند تاریخی علوم اسلامی چاره عبور از پیرایه علم را در توسل به «خود متن» فارغ از تفسیر و فهم عالمان در طول تاریخ دیده است (Shavit, 2015, p6). آنها با هدف اجتناب از علم آلود نمودن متن به سوی فهم و خوانش هرچه ساده‌تر از نص پیش رفته‌اند و در قالب اتخاذ چنین رویکردی، از سنت دانش اسلامی دور شده‌اند که خود منتهی به دستاوردی ویژه در خوانش نص از سوی آنها گردیده است. خوانشی که ضمن وفاداری به متن در حالی که پاسخ و چاره نیازها و دشواری‌های جهان بیرون را در متن جستجو می‌کند، در وهله نخست متن را به جهان بیرون عرضه می‌دارد و درصدد انطباق این دو از زاویه کدهای آشکار متن بر می‌آید. پر بیراه نگفته‌ایم اگر ادعا نماییم دغدغه ایشان ساختن جهان بیرون در قالب متن و انطباق با آن «به لحاظ واژگانی» است. مراجعه به متن فارغ از احساس نیاز به بهره‌گیری از روش‌های دانشی جهت رویارویی با متن و غفلتی آگاهانه از بهره‌جویی از انباشت دانشی مربوط به تفسیر و فهم متن وحیانی موجب شکل‌گیری روش رجوع مستقیم و بی‌پرده به متن وحیانی شده است. روش و رویه‌ای که می‌توان از آن به مثابه بهره‌جویی از نص به مثابه سازوکار تعیین چگونگی رویارویی با جهان پیرامون یاد نمود. هدف این رهیافت آن است که در مواجهه با نیازها و چالش‌های زندگی فرد مسلمان، و در ضدیت با هرآنچه آن را افزوده‌ای عملی یا نظری بر دین نخستین می‌داند، به متن کتاب به مثابه سرچشمه پاک و نخستین منبع دین راستین مراجعه نماید و درصدد کسب پاسخ از آن برآید (Qasim Zaman, 2012, p75).

در توضیح این مهم باید به مفهوم بدعت بپردازیم. بدعت نزد اهل حدیث و سنت از سابقه‌ای دیرینه برخوردار است. این مفهوم به هر نوع خوانش و فهمی که در انطباق با خوانش آنها از سنت نباشد، اطلاق می‌گردد. عالمان این سنت فکری همچون احمد ابن حنبل برای تثبیت سنت، ناگزیر از مبارزه با بدعت بودند. بدعت که در ادبیات اهل حدیث و سنت، ذیل واژه «حوادث» نیز از آن یاد می‌شود، نشانه دوری از امت اسلامی و سنت سلف و منهج نبوی بود. نخستین جوانه‌های بدعت در علم خودنمایی کرد. علمی که به باور سلفیان، در جایگاه دانش رقیب در مقابل نص قرار گرفت و راه به دوری از آن برد. بنابراین، هر نوع دانشی که حاوی نوآوری و فهمی نو باشد، و ذیل روش مراجعه مستقیم





به متن نص نگنجد، بدعت به شمار می‌آید. چنین تعبیری از بدعت، و دیگری بدعت‌گذار، از زاویه گفتمان سلفیسم جهادی نه تنها در درون سنت دانش اسلامی بلکه در در گستره کلی دانش بشری نیز قابل شناسایی است.

ایشان، بدعت را در مقابل سنت تعریف می‌کند، و بی‌گمان دانش جدید آلوده به خرد بشری را بدعت می‌داند. نزد ایشان بدعت دیگری آفرین است و دوری از بدعت در کنار پایبندی به سنت به آفرینش هویت خود می‌انجامد و خود را به عنوان طلایه دار سنت و در برابر بدعت تعریف می‌کند (ابن تیمیه، ۱۹۸۰، ص ۳۴). سرانجام سخن اینکه، از دیدگاه آنها نص و متن سنت، به‌مثابه مرکزی‌ترین بخش معرفتی و دانشی میراث، حاوی تصویری کامل و نهایی از مطلوب‌ترین حالت زندگی است.

مکانیزم تکیه بر متن

بنیادگرایی سلفی جریان‌ی است که فارغ از پشتوانه‌های دانشی و معرفتی، ذیل باور به کفایت‌مندی متن، صرفاً بر نص تکیه دارد. بی‌گمان بهره‌گیری از کتاب آسمانی را در همه جریان‌های نواندیشی دینی و نیز گروه‌های بنیادگرایی اسلامی می‌توان یافت. چرا که متن قرآن مهمترین منبع اسلامی پذیرفته شده از سوی همه جریان‌های علمی، معرفتی و عملی در میان مسلمانان است. گروه‌های سلفی در این میان با اتکای به متن نص و فارغ از هر افزونه علمی، دانشی و تفسیری، شیوه‌ای منحصر به فرد را در پیش گرفته‌اند. در واقع بازگشت به اسلام نخستین، اصلاح و پیراستن و زدودن افزوده‌های تاریخی ذیل نام گفتمان بازگشت‌گرا و اصلاح محور، با وجود تنوع و تفاوت‌هایی که با یکدیگر داشته‌اند، در یک ایده مرکزی هم‌رای و هم‌فکر بودند و آن مراجعه به نص است (Ahmed, 2013, p41). در این میان جریان‌ها و گروه‌هایی به ایده مراجعه مستقیم به متن نص وفادار مانده‌اند. این وفاداری در نسخه رادیکال متن‌گرایی سلفی مواجهه و خوانش ظاهر گرایانه مبتنی بر معنای صوری واژه و نیز متن وحیانی را در قالب فهمی فردی نیز توجیه می‌نمایند. جان سخن این که، بازگشت / اصلاح‌گرایانی که از آنها با نام سلفیست یاد می‌شود، از روش رجوع مستقیم به متن نص بهره می‌جویند. رویکرد مراجعه مستقیم به متن نص از سوی حرکت‌های بنیادگرایانه سلفی - جهادی را می‌توان به‌مثابه مبنای روش معرفتی آنها در ساحت نظر و نیز منطق و سازوکار تعامل و رفتار عملی در نظر گرفت. این رویکرد به دور از آمادگی برای مقدمات علمی و روش‌شناسی‌های دانشی، متن را به ساحت عملی زندگی می‌کشاند. در ادامه به بررسی چند و چون این مواجهه می‌پردازیم.

روش مراجعه بی‌واسطه به متن

این بخش از پژوهش حاضر بر روش خوانش بی‌واسطه متن از منظر نظر، به مثابه روشی معتبر نزد برخی از چهره‌های فقه اهل سنت، و از منظر عمل، ناشی از رویکرد عملگرایانه مبتنی بر اضطرار گروه‌های جهادی، متمرکز است. پیشینه رویکرد مراجعه مستقیم به نص را می‌توان در پس تاریخ فقه اهل سنت پی‌گرفت (Calder, 2006, p79). چه بسا خصلت عقل‌گریزی و متن‌محوری نحله ظاهرگرایانه در فقه اهل سنت در آغازگاه شکل‌گیری و در مراحل نمو خود موجب گردید که این نحله قایل به اهمیت اندک و تنک عقل در فقه شود و به شکل‌گیری بی‌اعتباری تفسیر برآمده از فهم بشری بیانجامد. در این میان بیرون راندن عقل از دایره فقه و عدم اقبال به تفسیر و ارائه برداشت بشرآلود از متن نص از سوی عالمان، پیشینه‌ای قابل توجه دارد و باید آن را در دوری از معتزله و نزدیکی به اشاعره سراغ گرفت. بی‌اعتمادی به فهم بشری جهت تنقیح احکام در حالی رخ می‌نماید که عالمان اهل سنت به ایجاد سازوکارهای جایگزین، که نشانی حداقلی از دخالت خرد و فهم انباشت‌گردیده در امتداد استنباط احکام داشتند، دست زدند. سازوکاری همچون قیاس و اجماع را می‌توان در این شمار قلمداد نمود. اما جالب آنجا است که احمد ابن حنبل-که در شمار چهره‌های عقل‌ستیز فقه اهل سنت قرار می‌گیرد- به قیاس، به مثابه راهکاری عقلانی/ بشری، تاخت و بهره‌گیری از آن را مشروع ندانست (Moaddel, 2004, p32). در تاریخ فقه اهل سنت به نام‌هایی بر می‌خوریم که در راستای دوری از عقل جهت ارتباط با متن نص و فهم و تفسیر آن کوشیده‌اند (Weiss, 1998, p36). شماری از چهره‌های گرایش ظاهرگرایی در تاریخ فقه اهل سنت عبارتند از ابوالحسن اشعری، ابن حنبل، ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب (ابن تیمیه، ۱۹۹۶، ص ۷۶، مودودی، ۱۴۱۱، ج ۱). دوری از حضور عقل، به مثابه واسطه فهم، راه به سوی ارتباط مستقیم با متن نص و خوانش ظاهرگرایانه از متن وحیانی برده است. اوج این رویه در درازنای تاریخ در گروه‌های سلفی جهادگرا نمایان است.

سلفیسم در سده دوم قمری و در تقابل با معتزله ذیل ادعای پایبندی به اسلام آغازین پدیدار گردید. در سده سوم، این جریان با پیشروی بیشتری به رشد خود ادامه داد و اصحاب حدیث متأخر بیشتر از عقل و اجتهاد فاصله گرفتند. ظهور احمد ابن حنبل منتهی به دور شدن از نظام دانشی و چارچوب معرفتی تاریخمند گردید و سرانجام به سوی بدوی‌سازی معارف و نفی ساختارمندی دانشی پیش رفت. این رویه از پایبندی ارتدکس به





اسلام آغازین به سوی مبارزه با عقل‌گرایی، کلام، شیوه‌های نوین زندگی، دنیاگرایی و هر آنچه که در مظان بدعت‌انگاری قرار داشت، پیش رفت و خود را در اصرار بر ظاهرگرایی و امر به معروف و نهی از منکر نمایان ساخت. رویه‌ای که به جدایی هرچه بیشتر این طیف از دیگر مذاهب اسلامی منتهی گردید.

در سده پنجم شاهد فراگیری هرچه بیشتر سلفیسم هستیم، چرا که عموم فقہیان بر توجه به ظاهر نصوص، استناد بر آموزه‌های ائمه سلف و نفی تاویل پای فشردند. ابن تیمیه در سده هشتم تأثیری مهم بر سلفیسم نهاد. وی در رد صوفیه آثار بسیاری نگاشت و با مذاهب حنفی، مالکی و شافعی به مخالفت برخاست. آرای وی در بردارنده مخالفت با بدعت، تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، پافشاری بر فتح باب اجتهاد و نفی تقلید (عنصری مهم در تفاوت رویکرد دانشی سلفیان با دیگر دیدگاه‌های دانشی جهان اسلام) و ضرورت تأثیر سیاسی و اجتماعی بود (ابن تیمیه، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۷۱). سلفیسم تحت تسلط اندیشه‌های ابن تیمیه به رشد خود ادامه داد تا اینکه در سده دوازدهم و سیزدهم هجری چهره نوین خود را در اندیشه‌های محمد ابن عبدالوهاب بازساخت (DeLong-Bas, 2007, p266).

ویژگی عمل‌گرایی جریان‌های سلفی - جهادی را می‌توان توجیهی دوم جهت مراجعه مستقیم به متن دانست. چراکه کنش عمل‌گرایانه مبتنی بر رفتار جهادی ابزاری جهت اجرا و تحقق ایده‌های گفتمان بازگشت‌گرا است. نگرشی عمل‌گرایانه که خود را در هیات کنش جهادی معطوف به اصلاح وضعیت موجود به شکل فوری، عاجل و رادیکال به نمایش گزارده است (DeLong-Bas, 2007, p21). جهادپرستان‌های متاخر ذیل باور به محدودیت فرصت جهت انجام اصلاح دست به اقدام می‌زنند. چراکه در برابر ورود و حضور روز افزون مولفه‌های غیراسلامی در جوامع اسلامی احساس خطر کرده‌اند، و با توجه به سرعت مدرنیسم، زمان واکنش به این خطر بسیار تنگ است. تمایل به عمل‌گرایی سریع، ذیل التفات به تنگنای زمانی و ضرورت ارائه پاسخی صریح به استمرار حضور هجمه‌وار مولفه‌های مدرنیسم در جامعه اسلامی، این گروه‌ها را به سوی برداشت و خوانشی هرچه ساده‌تر از دین سوق داده است. بر مبنای رویه‌ای از این دست، نه تنها دنباله میراث دانش اسلامی را رها کرده‌اند، بلکه در مراجعه به منابع اسلامی تنها به متن نص اکتفا نموده و شیوه مراجعه و فهمی ویژه را برگزیده‌اند. نکته قابل توجه آنکه، آنها در مواجهه با نص، از روش‌های علمی و دانشی گفتمان دانش اسلامی پیروی ننموده و تن به سبک‌ها و

رویکردهای متنوع خوانش، تاویل، تفسیر و فهم متن نداده و با در پیش گرفتن روشی نوین، ساده، صریح و دم‌دستی به ارائه رویکردی عمل‌گرایانه از متن نص دست یازیده‌اند. ذیل نگرش مبتنی بر رسالت «عملی نمودن بی‌درنگ متن»، خوانش نص بر مبنای دریافتی سطحی، ساده و عاری از روش‌های تاویل و تفسیر نص کارآمدتر خواهد بود. سلفیسم ذیل تلاشی از این دست چاره کار را در «رویکرد مراجعه مستقیم به متن» یافت. این رویکرد را می‌توان به‌مثابه مبنای گفتمان معرفتی گروه‌های سلفی-جهادی مورد مطالعه قرار داد. بی‌مان مطالعه روش مواجهه گروه‌های سلفی-جهادی، ذیل اندیشه اصلاح/بازگشت‌گرایی، با متن را می‌توان در شمار مهمترین مولفه‌های قابل مطالعه در زمینه سلفی‌گری، به‌مثابه پدیده‌ای سیاسی-بین‌المللی، تلقی نمود.

سرانجام آنکه، دریافت پاسخ از نص بدون بهره‌گیری از ابزار و افزونه دانشی-تفسیری را می‌توان رویکردی مجرد به متن نص دانست که متضمن در نظر گرفتن ویژگی‌هایی چند برای نص است. در ادامه به توضیح این ویژگی‌ها می‌پردازیم.

ویژگی‌های متن (نص) ذیل نگرش مبتنی بر روش مراجعه مستقیم به متن

متن نص، نزد سلفیان از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است که به آن استعداد حضور و ایفای نقش در همه زمین‌ها و ساحت‌های زندگی را می‌بخشد. در واقع متن مقدس نه تنها بی‌نیاز از تفسیر و دخالت عقل بشری جهت فهم آن است، بلکه هستنده‌ای گویا و صریح است که از باورمندان خود توقع عمل بی‌چون و چرا دارد. در عین حال، موضوعاتی همچون فهم‌ناپذیری متن به‌مثابه وحی فرو فرستاده بر شخص نبی و عدم امکان استنباط احکام کلی از متن توسط فقیه از سوی سلفیان زمینه به کار بستن آن را در عمل به شیوه فردی و شخصی مهیا می‌سازد (Gauvain, 2012, p20). به مرحله عمل درآمدن متن، نیارمند مقدماتی است که باید در نوع رابطه با متن لحاظ گردد.

در این بخش از پژوهش، ویژگی‌های متن را از دیدگاه نوسلفیست‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- ارتباط متن با جهان بیرونی

قابلیت انطباق متن با نیازهای جدید در معنای متفاوتی قابل طرح است، از یک سو امکان‌مندی تطبیق متن و جهان نوین از سوی رهیافت وفادار به متن و پاسخگویی آن به معنای سازش با دستاوردهای نوین تمدن انسانی نبوده و معنا و مفهوم آن بر ساختن جهانی است که بر اساس مولفه‌های متن ساخته و پرداخته گردد. چه بسا مطابق این





رویکرد، متن به‌مثابه شالوده‌ای مشروع و معین، با هدف برساختن جهان مطابق آموزه‌های متن صریح نص به جهان بیرون، عرضه می‌شود. چنین رهیافتی نه تنها امکان برداشت آزاد و عالمانه از متن را می‌گیرد، بلکه متن را به‌مثابه امری منجمد، ثابت و بی‌زمان در نظر می‌گیرد که الگوی اصلی شیوه زیستن است. بنابراین، هدف برساختن جهان براساس متن است و بر این اساس نیازی به تفسیر متن و نهایتاً سازش و یا انطباق آن با دستاوردهای تمدن مدرن نیست، بلکه صرفاً متن و دستوره‌های صریح آن در ساحت‌های گوناگون زندگی اجرا خواهد شد. چنین دغدغه‌ای از آن جهت مطرح می‌شود که بنا به باور وفاداران به این روش، رجوع مستقیم و فارغ از روش به متن نص، در عین ثبوت، توان پاسخگویی به نیازهای متغییر را دارد. براساس این نگرش پاسخ همه نیازهای زندگی آدمی در همه دوران‌ها در درون متن، و در قالب واژه‌هایی بی‌پرده و ذیل پیام و دستورهایی آشکار، تعبیه گردیده است. این ادعا از سوی بسیاری از نواندیشان دینی در مواجهه با تجدد خودنمایی می‌کند، اما اهمیت آن در رویکرد وفاداران به اندیشه‌های نص‌گرایانه از آن جهت بیشتر است که این گروه استعداد پاسخگویی متن را بدون نیاز به تفسیر و با ارجاع مستقیم به متن می‌دانند (Samad, Sen, 2007, p43). بنابراین، می‌توان گفت، اینان آرمان‌شهری را مماس بر متن -در آسمان سنت سلف- با توجه به الگوی نخستین برآمده از نص طراحی می‌کنند.

۲- جامعیت متن

جامعیت متن به این معنا است که، مطابق دیدگاه نص‌گرایان، متن کتاب دربردارنده پاسخ به همه پرسش‌ها و نیازهای انسان در همه زمان‌ها و مکان‌ها است (Rinaldo, 2013, p212). براین اساس، بشر نه تنها از عقل خود بنیاد بشری بی‌نیاز است، بلکه از به کار بستن فهم بشری در راستای فهم متن نیز بی‌نیاز است. در امتداد این نگرش، باورمندان به این ایده با مظاهر تجدد از در مخالفت درآمده و همواره امکان سازش میان متن و مدرنیسم و نیز مدرنیته را امری ناممکن تلقی نموده‌اند (Yaser, 2015, p6). چرا که گام نخست سازش و آشتی با جهان نوین، پذیرش وجوه معرفتی و دانشی آن است.

۳- ویژگی خطابی متن

نص‌گرایان بر این باورند که می‌توان با متن به شیوه فردی وارد گفتگو و مفاهمه گردید و به شکل فردی از متن کسب تکلیف نمود. چنین نگرشی معتقدان این آموزه را بر آن می‌دارد که با آموزش علوم دینی به مخالفت برخیزند، زیرا دریافت پیام وحی از سوی فرد

مسلمان بدون نیاز به آموزش‌های دینی اعم از فقه و تفسیر انجام می‌گیرد. متن این قابلیت را دارد که با مخاطب خود سخن بگوید و هر فرد مسلمان می‌تواند مورد خطاب متن قرار گیرد (Rinaldo, 2013, p212). برخلاف اندیشه سنتی، که مواجهه با متن در انحصار علمای دین قرار داشت، این نوع از رویارویی با متن به فرد مسلمان مشروعیت فهم و تصمیم‌گیری براساس فهم فردی را می‌بخشد.

منظور از مراجعه فردی کسب تکلیف از سوی فرد مکلف به شیوه مستقیم از متن مقدس است. در حقیقت رجوع مستقیم به متن نص به شیوه ای فارغ از دخالت فهم و تفسیر صورت می‌پذیرد و منظور از چنین مراجعه‌ای استمرار شیوه ابن تیمیه و احمد ابن حنبل است که حتی قیاس را به‌مثابه دخالت خرد انسانی در فهم متن مردود دانسته بود. به سخن دقیق‌تر، باید گروه‌های تکفیری را نوسلفیانی دانست که بیش از آنکه به دانش و سنت‌های دانشی علاقمند باشند، سعی در به عمل درآوردن بخش‌هایی از متن براساس هدف و خواست از پیش تعیین شده خود دارند. از این رو، تفکیک قایل شدن میان سلفیان پیشین و نحله نوین سلفیسم ضروری است. این تفکیک بی‌گمان در سبک و شیوه مراجعه به متن نیز خودنمایی می‌کند و سلفیان نوین اصراری بی‌مانند در دوری از تاویل و تفسیر دارند و این ویژگی آنها را به لحاظ معرفتی و روشی از دیگر گروه‌ها و مکاتب فکری و جنبش‌های عملی جهان اهل سنت متفاوت می‌سازد. تفاوتی که به آنها خصلتی ارتجاعی و گذشته‌گرا بخشیده و اقتضانات جهان جدید را نزد آنها بی‌اعتبار و مردود ساخته است. سلفی‌های تکفیری، جریان علمی و عالمان اسلامی را نقد می‌کنند و خود را عالمان میدان نبرد و دیگر عالمان و فقیهان را عالمان فنادقه و هتل‌ها می‌نامند. آنها که به ضدیت با فقه سازمانمند شهرت دارند، به دلیل تبعیت از سنت تاریخی دانش اسلامی، به انتقاد از فقیهان می‌پردازند و در مقابل، عالمان و فقیهان نیز سلفیان را مورد انتقاد قرار می‌دهند. مطابق الگوهای عقلانیت سنتی اهل سنت، جهادی - سلفی‌ها گروهی‌اند که به نظام دانشی تاریخی تن نداده‌اند (Shavit, 2015, p6). نقد دوطرفه سلفیسم تکفیری و جهان اسلام منجر به عدم پذیرش هر یک از سوی دیگری گردیده است.

۴- زنده بودن متن

ویژگی همیشگی و جاوید بودن متن از باورهای عمومی‌ای است که از سوی نص‌گرایان نیز مورد پذیرش و تاکید واقع شده است. اما چنین باوری از سوی گروه مورد بررسی از باور به بی‌زمانی متن، که عموم مسلمانان به آن ایمان دارند، متفاوت است. نص‌گرایان





رجوع به متن را فارغ از شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی زمان نزول وحی در پیش می‌گیرند (Clinton Bennet, 2013, p261).

در این راستا، مطابقت وظایف فرد مسلمان با متن را بدون نیاز به توضیح زمینه و زمانه تاریخ دریافت وحی از سوی پیامبر(ص) و در مرحله‌ای دیگر تطبیق وحی بر شرایط زمانه کنونی در نظر می‌گیرند. نص به‌مثابه پیام حی و حاضر خداوند در نظر گرفته می‌شود. زنده‌انگاری متن را عمدتاً می‌توان مترادف با حضور همیشگی متن دانست. از جمله تناقض‌های رویکرد نص‌گرایی سلفی نادیده انگاشتن پویایی متن ذیل خصلت زنده‌انگاری آن است. چراکه پویایی متن راه به سوی تنوع خوانش و برداشت از آن براساس تحولات زمانه دارد و این ایده، ثابت‌انگاری متن را به پرسش می‌کشد. ثابت‌انگاری در بلندای ثابت بودن فهم ناشی از متن با توجه به نظم واژگانی و ظاهری متن رخ نموده است. در واقع زنده‌انگاری متن در این رویکرد با نوعی انجماد متن همراه است؛ بدان معنا که متن به‌مثابه منبعی پاسخ‌گو در درازنای سده‌ها همواره ثابت و بی‌تغییر با پاسخ‌هایی یکسان به نیازهای ارائه شده در زمان‌های گوناگون است (Herlihy, 2009, p112).

نتیجه

مطالعه نحوه مراجعه به نص را باید عامل تفارق نگرش‌ها در جغرافیای دانش اسلامی دانست که فهم مسلمانان از متن مقدس، جهان و نیز خود را شکل داده و نهایتاً منطق عملی به ایشان می‌بخشد که بر مبنای آن ذیل ایده مشروعیت به زیست مبتنی بر فهم برآمده از متن می‌زیند. اهمیت این اتفاق ما را بر آن می‌دارد تا نحوه خوانش نص را از سوی کنش‌گرانی مورد تامل قرار دهیم که نسخه‌ای متفاوت از شریعت‌مداری را در دسترس جهان امروز قرار داده‌اند. پژوهش حاضر کوشید زاویه‌های گوناگون خوانش و فهم جهادگرایان افراطی از متن نص را مورد ارزیابی قرار دهد. فهم فراتاریخی و واژه‌مدار و ظاهر‌گرایانه طیف نوظهور جهادگرایان را به سوی برداشت و اقدام عاجل جهت تطبیق جهان بیرون با متن نص پیش می‌برد؛ هدفی که ضمن کنش جهادی خشونت‌بار و مسلحانه دنبال می‌شود.

پژوهش حاضر نحوه برخورد جهادگرایان با متن را ارجاعی همواره و ممتد به متن ثابت در مواجهه با جهان مدرن متغیر، در نظر گرفته است. نکته آنجا است که کشف چند و چون ارتباط گفتمان با منابع و تبار اندیشه‌ای خود می‌تواند در فهم منطق درونی آن کارآمد واقع گردد. از این‌رو، توجه به شیوه رویکرد سلفیسم نسبت به تبار اندیشه‌ای و منابع آن

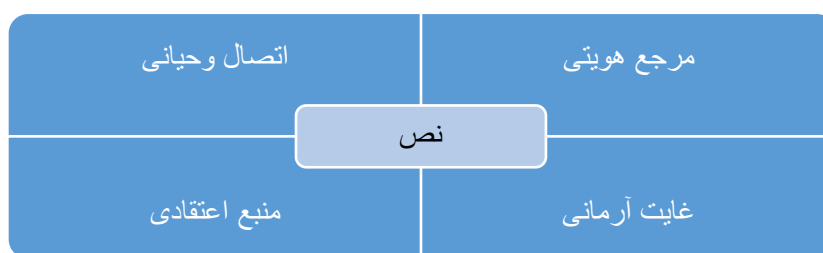
دارای اهمیت است. چرا که این گفتمان هدف غایی خود را عملی نمودن نص تعریف می‌کند. این گفتمان که نص را بی‌پیرایه‌ترین بخش دین می‌داند، می‌کوشد آن را از طریق سازوکارهای منطبق با خوانش خود از نص و سلف عملیاتی نماید. ارتباط گفتمان سلفیسم جهادی و نص به عنوان مرجع اصلی این گفتمان از اهمیت دوچندان برخوردار است. نص از دیدگاه آنها به‌مثابه منبع ایدئولوژیک و توجیه‌گر کنش جهادی در راستای محقق ساختن رسالت خود خوانده، مورد مراجعه بی‌واسطه قرار می‌گیرد.

نص (متن مقدس)

- گفتمان سلفیسم جهادی

شکل ۱

در شیوه مراجعه این گفتمان به نص، شاهد شکل‌گیری گونه‌ای نص‌گرایی متمرکز هستیم که از نص بهره‌هایی چندگانه می‌برد و نص را در عین حال که به عنوان بن‌مایه ایدئولوژی و منبع مشروعیت و مرجع توجیه و تجویز می‌شناسد، بلکه به متن به‌مثابه دغدغه و هدف کنش جهادی نیز می‌نگرد. رویکرد متمرکز به متن در گفتمان سلفیسم جهادی با توجه به گسست آنها از جهان‌دانشی سنت اسلامی، که نص را به عنوان منبع و مرجعی یگانه در دسترس آنها قرار می‌دهد، عملی می‌گردد.



شکل ۲

از دیدگاه آنها، منابع نخستین بدون افزوده‌های پسینی و در انجمادی تاریخی و خوانشی تک‌لایه‌ای و واژه‌محور، به دور از توجه به بسترهای تاریخی، هویتی و فرهنگی، مورد رجوع قرار می‌گیرد و تبدیل به مرجع توجیه عمل جهادی می‌گردد. در نهایت باید



گفت عدم پابندی سلفیسم نوین به تفسیرهای تاریخی، از متن نص منجر به شکل‌گیری فهمی منجمد و قالب‌بندی شده بر مبنای ذات‌مندی کنش جهادی گردیده است. این پژوهش ذیل رویکردی نوآورانه به تشریح این مهم پرداخت که چگونه گروه‌های جهادی اراده عملی‌سازی متن مقدس را در کنش جهادی باز یافته‌اند. روش مراجعه مستقیم به متن نص را می‌توان مرکزی‌ترین ویژگی روش شناختی و وجه تئوریک سلفیسم دانست که وجه تمایز این گفتمان با دیگر گروه‌ها و مکتب‌های دانشی جهان اسلام است. این شیوه رجوع به نص در تکوین اندیشه‌ای و ساختاری گروه‌های جهادی نقش ویژه‌ای داشته و به آنها این امکان را بخشیده است که هویت خود را در ملازمت و انطباق خطی با نص تعریف کنند و کوشش عملی خود را در راستای به کار بستن فهم ساده‌ایده در دسترس، و امکان انتقال اسلام آغازین به جهان معاصر به کار گیرند.

رویکرد نوسلفیسم به نص متضمن هدف حضور حداکثری متن در جریان زندگی انسان امروز و کاستن فاصله میان متن وحیانی و جهان بیرون است که می‌توان آن را ذیل مواردی چون تبار معاصر جریان سلفی - جهادی، گفتمان مراجعه به نص (اصلاح وضعیت موجود با توجه به مولفه‌های برآمده از متن وحیانی)، مراجعه به متن، مکانیزم تکیه بر متن، روش مراجعه بی واسطه به متن و ویژگی‌های متن (نص) ذیل نگرش مبتنی بر روش مراجعه مستقیم به متن مورد واکاوی قرار داد.



منابع

- ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم (١٤١٨ق). *مجموعة الفتاوى لشيخ الإسلام ابن تيمية*. بيروت: دارالوفا.
- ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم (١٩٨٠م). *مقدمه في أصول التفسير*. بيروت: دارمكتبة الحياة.
- ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم (١٤٠٦ق). *منهاج السنة النبوية في تقض كلام الشيعة والقدرية*. (محمد رشاد سالم، تحقيق). رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
- ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم (١٩٩٦م). *الاستغاثة في الرد على البكري*. رياض: بي نا.
- سيد قطب (١٣٧٨). *نشانه های راه*. (محمودى، محمود، مترجم). تهران: نشر احسان.
- مودودى، ابوالاعلى (١٤١١ق). *تفهيم القرآن*. (كليم الله متين؛ سيدنياز محمد همدانى؛ آفتاب اصغر؛ مترجم). لاهور: دارالعروبة للدعوة الاسلامية.
- Saeed, Abdullah (2013), *Reading the Qur'an in the Twenty-First Century: A Contextualist Approach*. New York: Routledge.
- Akbar M.J (2002). *The Shade of Swords: Jihad and the Conflict Between Islam and Christianity*, New York: Rutledge.
- Azra, Azyumardi, Hudson, Wayne (2006), *Islam Beyond Conflict: Indonesian Islam and Western Political Theory*, Farnham: Ashgate Publishing Ltd.
- Bernard G ,Weiss (2006), *The spirit of Islamic law*, Georgia: University of Georgia Press.
- Lia, Brynjar (2007), *Globalisation and the Future of Terrorism: Patterns and Predictions*. New York: Routledge.
- Bennet, Clinton (2013), *The Bloomsbury Companion to Islamic Studies*, LONDON: Bloomsbury Publishing.
- Yaser, Door (2015). *Ellethy Islam, Context, Pluralism and Democracy: Classical and Modern Interpretations*. New York: Rutledge.
- Marranci, Gabriele (2010), *Muslim Societies and the Challenge of Secularization: An Interdisciplinary Approach*, New York: Springer.
- Abu-Rabi, Ibrahim.M. (2006), *The Blackwell companion to contemporary Islamic thought*, Oxford: Wiley-Blackwell.
- Kenney, Jeffrey.T, Moosa, Ebrahim (2013), *Islam in the Modern World*. New York: Routledge.
- Herlihy, John (2009), *Wisdom's Journey: Living the Spirit of Islam in the Modern World*, Bloomington: World Wisdom.
- Al-Rasheed, Madawi, Kersten, Carool, Shterin, Marat (2012), *Demystifying the Caliphate: Historical Memory and Contemporary Contexts*, Oxford: Oxford University Press.
- Zaman, Muhammad Qasim (2012), *Modern Islamic thought in a radical age: religious authority and internal criticism*, New York: Cambridge University Press.
- Moaddel, Mansoor (2004), *Islamic Modernism, Nationalism, and Fundamentalism: Episode and Discourse*. Chicago: University of Chicago Press.
- Sagma, Marc (2010), *Leaderless Jihad: Terror Networks in the Twenty-First Century*. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.



- DeLong-Bas, Natana.J. (2007), *Wahhabi Islam: From Revival and Reform to Global Jihad*. Oxford: Oxford University Press.
- N C Asthana; Anjali Nirmal (2009), *Urban terrorism: myths and realities*, Jaipur: Pointer Publishers.
- Calder, Norman (2006), *Interpretation and Jurisprudence in Medieval Islam*, New York: Routledge.
- Rinaldo, Rachel (2013), *Mobilizing Piety: Islam and Feminism in Indonesia*. Oxford: Oxford University Press.
- Gauvain, Richard (2012), *Salafi Ritual Purity: In the Presence of God*: New York: Routledge.
- Geaves, Ron (2005), *Aspects of Islam*, London: Darton Longman & Todd.
- Ahmed, Safdar (2013), *Reform and modernity in Islam: the philosophical, cultural and political discourses among Muslim reformers*. London: I.B. Tauris.
- Khan, Sarfraz (2012), *Muslim Reformist Political Thought: Revivalists, Modernists and Free Will*. New York: Routledge.
- Samad, Yunas, Sen, Kasturi (2007). *Islam in the European Union: Transnationalism, Youth and the War on Terror*. Oxford: Oxford University Press.

